

*Bi-Quarterly specialized-
scholarly journal Of Quranic
Studies Light of Revelation Vol.6,
No. 11,
Spring & Summer 2021
P 65 - 89*

دو فصل نامه علمی-تخصصی
مطالعات قرآن پژوهی نور وحی
س ۶ ش ۱۱ بهار و تابستان ۱۴۰۰
صفحات ۶۵ - ۸۹

بررسی شیوه‌های تربیتی در سوره نمل

فاطمه صادقی*

چکیده

قرآن کریم به‌عنوان متقن‌ترین و جامع‌ترین سند راهبردی اسلام حقایق و واقعیت‌های سعادت آفرین بشر را در عرصه‌های گوناگون به‌خصوص عرصه تربیت بیان نموده است. چون هدف از بعثت انبیا تربیت و تزکیه انسان‌ها و به سعادت رساندن آنها بوده است. با بررسی گزاره‌های وحیانی قرآن کریم این حقیقت به‌خوبی آشکار می‌شود که کلام خداوند به تمام معنا یک الگوی تربیتی کامل برای تمامی جوامع بشری است. از آنجا که گستردگی مسائل تربیتی قرآن کریم فراتر از نوشتار حاضر می‌باشد سعی می‌شود که با رجوع به آیات سوره نمل برخی از نکات تربیتی این سوره با بهره‌گیری از اقوال مفسران و قرآن‌پژوهان و با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سوره نمل حاوی مهم‌ترین دستورات، اصول، مبانی و شیوه‌ها تربیتی است که خداوند متعال در این سوره مبارکه برای هدایت و تربیت انسان‌ها بیان نموده است. همچنین مشخص شد که این سوره

*. دانش‌پژوه کارشناسی علوم تربیتی جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

fatsadeqi2000@gmail.com

مبارکه دربر دارنده پندها، نصایح و مسائل تربیتی فراوانی است که به برخی از مهم‌ترین‌ها همچون تفقد و نظارت، تکریم و تشخیص، تحقیق و تفحص، مشاوره جوئی و نظرخواهی، عزت و شرافت، ارزیابی و ایجاد رقابت سالم، ارزش و شایسته‌سالاری اشاره و چگونگی کاربست و عملیاتی سازی آن توسط مربیان تبیین و تشریح گردید.

واژگان کلیدی: قرآن، سوره نمل، تربیت، حضرت سلیمان، ملکه سبا.

مقدمه:

تربیت به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصلی است که ارتباط وثیق و ناگسستنی با سعادت و پرورش شخصیت و به فعلیت در آوردن انسان‌ها دارد. از این رو قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) یکی از حقوق اولیه فرزندان که بر عهده والدین می‌باشد را تربیت صحیح می‌داند. آنچه که موجب شد نگارنده به دنبال بررسی مسئله پیش رو اقدام کند این بود که از یک طرف قرآن کریم از جامعیت و مرجعیت برخوردار است و از طرف دیگر مسئله تربیت با وجود اینکه پژوهش‌های متعددی در این عرصه تألیف شده ولی کمتر از منظر قرآن کریم که «تَبَيَّنَّا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/۸۹) است به این مسئله پرداخته شده است. البته اخیراً تفاسیر تربیتی به صورت عام و مقالات پژوهشی به صورت خاص به تفسیر و تبیین برخی از مباحث تربیتی در برخی از سوره‌ها پرداخته‌اند؛ اما بر اساس مطالعات انجام شده و تحقیقات به عمل آمده اثر پژوهشی که به صورت متمرکز نکات تربیتی سوره نمل مورد بحث و بررسی قرار داده باشد یافت نشد. از این رو اهمیت مسئله اقتضا نمود که صاحب این قلم با رجوع به آیات کریمه سوره نمل برخی از نکات تربیتی این سوره را با بهره‌گیری از اقوال مفسران و قرآن‌پژوهان مورد شرح و تبیین قرار دهد.

پیشینه پژوهش

بر پایه مطالعات انجام شده تحقیق پیش رو از لحاظ پیشینه عام از غنی نسبی برخوردار است چون اکثر تفاسیر فریقین نکات تربیتی آیات قرآن کریم را بیان کرده‌اند؛ اما از لحاظ پیشینه خاص که به صورت متمرکز و نظام‌مند و روشمند بخواهد تنها این سوره را با بهره‌گیری از ادبیات علوم تربیتی مورد بحث و بررسی قرار دهد و نکات تربیتی آن را کشف و تبیین نماید یافت نشد از این رو می‌توان گفت فاقد پیشینه خاص است.

مفهوم شناسی

در طلیعه بحث لازم است تصویر روشنی از واژگان کلیدی و پرکاربرد و مفاهیم کلی تحقیق ارائه شود.

الف: تربیت

واژه «تربیت» از ریشه «ربو» و از باب تفعیل است و لغت شناسان، ریشه‌ی آن را به معنای زیادت (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه ق: ۸ / ۲۸۴) و از (ربب) می‌دانند که یک «باء» آن تبدیل به «ی» شده و معنایی تدریجی بودن در دل تربیت نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶ ش: ۳۴۰). جوهر و گوهر معنایی تربیت زیاد و متورم شدن شیء در خودش جهت کسب فضل و زیاده است (مصطفوی، ۱۳۶۰ ش: ۴ / ۳۵).

درباره‌ی تعریف اصطلاحی تربیت سخن بسیار است از جمله گفته‌اند تربیت از نظر ارسطو به معنای مجموعه‌ای از اعمال است که به وسیله‌ی خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می‌گیرد. از نظر فارابی تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله‌ی فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه‌ی

فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دینا و کمال نهایی در آخرت (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴ ش: ۱ / ۱۶۷-۱۷۳). شهید مطهری^(ره) می‌گوید: تعلیم، پرورش و استقلال نیروی فکری دادن و زنده کردن قوه ابتکار متعلم است و تربیت، پرورش دادن و به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی که بالقوه در یک شیء موجود است؛ از این رو، کاربرد واژه تربیت فقط در مورد جانداران صحیح است؛ زیرا غیر جانداران را نمی‌توان به مفهوم واقعی پرورش داد آن‌طور که یک گیاه یا حیوان و یا یک انسان را پرورش می‌دهند. از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت، طبیعت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا شود باید کوشید تا همان استعدادهایی که در آن هست بروز کند.

بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادها در انسان عبارت‌اند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت‌جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (مطهری، ۱۳۸۲: ۲۰-۲۲ و ۵۷-۶۹)، بدیهی است که این صاحب‌نظران با توجه به دیدگاه خاص خود به تعریف موضوع پرداخته‌اند و تعلیم و تربیت، به هر نحوی که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجاد ویژگی‌ها و خصوصیات است که در متربی به‌عنوان یک انسان صورت می‌گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است؛ و لازمه‌ی تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعدادهای همه‌جانبه و داشتن برنامه برای فراهم سازی زمینه‌ها و مؤلفه‌های رشد متوازن است

ب: نمل

واژه «نَمْل» سه مرتبه در قرآن، در آیه ۱۸ سوره نمل، به کار رفته است. نَمْل اسم جنس جمعی (اسم جنس جمع: اسمی است که فرق میان جمع و مفردش در تاء یا یای نسبت است، مانند التفاح، الشجر). است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۳۸/۱۹) که مفرد آن، نَمْلَةٌ (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۶۷۸)، و جمع [مکسر] آن، نَمَال است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/۳۲۹) به عبارت دیگر، نمله با تاء وحدت فقط بر یک عدد، بدون اشاره به مذکر و مؤنث دلالت دارد نَمْل به معنای مورچه است (قرشی، ۱۳۷۱: ۷/۱۱۳)، این واژه به طور استعاره برای سخن چین، به منظور تصویر حرکت نهانی و آهسته آن به کار می‌رود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۲۵).

ج: محتوای سوره نمل

سوره نَمْل یا سوره سلیمان بیست و هفتمین سوره و از سوره‌های مکی قرآن است که در جزء نوزدهم و بیستم قرآن جای دارد. پرداختن به داستان مورچگان و حضرت سلیمان (ع) دلیل نام‌گذاری این سوره به نمل است. خداوند در این سوره با پرداختن به سرگذشت پنج پیامبر، موسی (ع)، داوود (ع)، سلیمان (ع)، صالح (ع) و لوط (ع)، به مؤمنان بشارت و به مشرکان بیم می‌دهد. در این سوره مطالبی درباره مسئله خداشناسی و نشانه‌های توحید و وقایع معاد آمده است. آیه اَمْن یجیب از آیات مشهور سوره نمل است. در روایات این آیه را درباره امام زمان (ع) دانسته‌اند. آیه امن یجیب به عنوان دعا برای رفع گرفتاری و شفای بیماران خوانده می‌شود. آیه ۸۳ سوره نمل برای اثبات رجعت، از دیگر آیات مشهور این سوره است. علامه طباطبایی هدف اصلی سوره نمل را بشارت و انذار (بیم‌دادن) مردم دانسته است؛ به همین منظور به صورت مختصر به داستان برخی پیامبران از جمله موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط پرداخته و در ادامه

آن به پاره‌ای از اصول معارف مانند وحدانیت خدا در ربوبیت و معاد اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵ / ۳۳۹)

در تفسیر نمونه پرداختن به سرگذشت این پنج پیامبر و مبارزه آنان با اقوام منحرف را هم دلداری برای مؤمنان که در مکه در اقلیت بودند می‌داند و هم هشدار بود برای مشرکان لجوج که سرانجام کار خویش را با عبرت از تاریخ طاغیان گذشته ببینند و شاید به خود آیند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵ / ۳۹۱). اشاره به علم بی‌پایان پروردگار و نظارت او بر همه چیز در عالم هستی و حاکمیت او در میان بندگان که توجه به آن اثر تربیتی زیادی در انسان دارد از دیگر موضوعات مطرح در این سوره دانسته شده است. مسئله خدانشناسی و نشانه‌های توحید و وقایع حشر و معاد از دیگر مطالبی است که در این سوره مطرح شده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷: ۱۲۴۴).

داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا و داستان برخی از پیامبران از جمله داستان‌های سوره نمل است. نبوت موسی: مشاهده آتش در وادی طور، گفتگو باخدا، مشاهده معجزات، دعوت فرعون، انکار فرعونیان. آیه‌های ۷-۱۴، داستان حضرت سلیمان (ع)، اعطا دانش داوود و سلیمان و میراث سلیمان از داوود و دانستن زبان پرندگان توسط سلیمان (آیات ۱۵-۱۶)، گردآوری سپاهی از جن و انس (آیه ۱۷)، گذر سلیمان از وادی مورچگان (آیات ۱۸ و ۱۹)، غیبت هدهد، بازگشت هدهد و گزارش از سبا و ملکه‌اش و خورشیدپرستی آنان، نامه سلیمان به ملکه سبا، مشورت ملکه سبا با سران، هدیه فرستادن برای سلیمان، رد هدیه از سوی سلیمان و تهدید به حمله، درخواست سلیمان برای آوردن تخت ملکه سبا، آمدن ملکه سبا به نزد سلیمان و مشاهده تخت، ورود به کاخ سلیمان و شگفتی از آن و ایمان به خدا (آیات ۲۰-۴۴)، داستان صالح: رسالت صالح، گفتگوی با قوم، تصمیم گروه‌های نه‌گانه قوم برای

شبیخون به صالح، ناکامی شبیخون، هلاکت قوم و نجات مؤمنان. (آیات ۴۵-۵۳)، داستان لوط: هشدار لوط درباره فحشا، خواست قوم برای اخراج لوط، نجات لوط و اهلش به استثنای همسرش، عذاب قوم لوط. (آیات ۵۴-۵۸).

ذیل آیات ۸۰-۸۱ و ۸۳ سوره نمل نکات خاصی ارائه شده است که فهم و درک آنان موجب تغییر و تحول اساسی خواهد شد.

به عنوان نمونه در آیه ۸۰ و ۸۱ می‌فرماید: «إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّةَ الدُّعَاءَ...» کافران به مردگانی تشبیه شده‌اند که گوشی برای شنیدن و چشمی برای دیدن ندارند و موعظه‌های پیامبر (ص) را نمی‌شنوند و پیامبر (ص) توان القای حقیقت را به آنها نخواهد داشت؛ [۱۵] تفسیر نمونه با استناد به این آیات مرگ و حیات در منطق و بینش قرآن را متفاوت از حیات و مرگ در بینش مادی می‌دانند. بر این اساس از دیدگاه قرآن ممکن است افرادی از نظر فیزیکی زنده باشند ولی در شمار مردگان محسوب می‌شوند مانند کسانی که چشم و گوش خود را بر دریافت هدایت پیامبران می‌بندند و در مقابل ممکن است کسانی از نظر فیزیکی دارای حیات نباشند ولی به دلیل داشتن آثاری در دنیای مادی، دارای حیات هستند؛ مانند شهیدان که خداوند آنان را زنده معرفی کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵/۵۴۲-۵۴۳).

علمای شیعه آیه ۸۳ سوره نمل «وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بآيَاتِنَا» و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم... را صریح‌ترین و مهم‌ترین دلیل قرآنی برای اثبات رجعت دانسته‌اند (رضانژاد و پای برجای، ۱۳۹۵: ۴۳۴۶).

در فضیلت تلاوت سوره نمل آمده است؛ هر کس سوره طس سلیمان (سوره نمل) را بخواند خداوند به تعداد کسانی که حضرت سلیمان، هود، شعیب و صالح و

ابراهیم علیهم السلام را تصدیق یا تکذیب کردند، ده حسنه به او پاداش می‌دهد و به هنگام قیامت که از قبرش بیرون می‌آید، ندای لا اله الا الله سر می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۳۲۷).

همچنین آمده است هر کس طواسین ثلاث (سوره‌های شعراء، نمل و قصص) را در شب جمعه بخواند، از اولیای خدا خواهد بود و در جوار او و سایه لطف و حمایتش قرار می‌گیرد و در دنیا دچار بدبختی نمی‌شود و در آخرت از بهشت به او داده می‌شود تا راضی شود، بلکه از رضایتش فراتر داده می‌شود و خداوند صد حور العین به ازدواج او درمی‌آورد (حویزی، ۱۴۱۵: ۴/ ۷۴).

تحلیل برخی از نکات تربیتی

قبل از تبیین و تحلیل نکات تربیتی سوره لازم است که ذکر شود همانند سایر سور مکی از نظر مباحث اعتقادی بیشتر روی مباحث مبدأ و معاد تکیه نموده و درباره نشانه‌های خدا در عالم آفرینش و چگونگی معاد و رستاخیز عظیم سخن می‌گوید که البته این هم در جای خودش نکته تربیتی مهم می‌باشد. یعنی در واقع مریضان باید در تمام مراحل تربیتی خویش به این دو اصل توجه نمایند. از نظر مسائل عملی و اخلاقی به صورت مختصر به داستان برخی از پیامبران از جمله، موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط پرداخته است. یکی از برجسته‌ترین مباحث مطرح شده در این سوره داستان سلیمان و ملکه سبا و چگونگی ایمان آوردن او سخن گفتن پرندگان همچون هدهد و حشراتی چون مورچه با سلیمان است. مطلب قابل توجهی دیگر در این سوره این است که با بشارت به مؤمنان شروع و با تهدید به اینکه خداوند از اعمال بندگان غافل نیست پایان می‌یابد.

۱- تفقد و نظارت

قبل از بیان نکته تربیتی لازم است که مفهوم تفقد و نظارت بیان شود. تفقد آنست که در حال غیبت چیزی از حال آن جويا شویم (قرشی، ۱۳۷۱: ۱۹۶/۵)؛ و تفقد از زیردست، بازدید از کار آنان و جست‌وجو از احوالشان، از اصول اسلامی، اخلاقی، اجتماعی، تربیتی و مدیریتی است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۶/۴۰۸)؛ نظارت و کنترل عبارت است از آن‌که اطمینان حاصل شود که عملیات انجام‌شده درراه نیل به هدف را به‌موقع و به‌طور مطلوب تأمین نموده‌اند یا خیر؟ در صورتی‌که در عملیات اجرایی انحرافی حاصل گردد، در اسرع وقت توسط مقامات کنترل‌کننده و ناظر تدابیری به‌منظور جلوگیری از انحرافات و نیل به هدف مطلوب به عمل آید (منصور نژاد، ۱۳۸۷: ۱۱۸) درواقع نظارت، لزوم هدایت خواهی و ظرفیت هدایت‌پذیری را به دست می‌آورد (تقوی دامغانی، ۱۳۷۸: ۹۵).

بر اساس تعاریف ذکر شده تفقد و نظارت یعنی اینکه مدیر و یا مربی و یا سرپرست نسبت به عملکرد زیر مجموعه‌اش باید نظارت داشته باشد و از عملکرد آنان و حضور و عدم حضورشان مطلع و آگاه باشد باید کاستی‌ها و ضعف‌های آنان را از طریق تفقد و نظارت رصد و کنترل کنند.

در آیه ۲۰ سوره نمل آمده است: «وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنْ الْغَائِبِينَ» (سلیمان) در جستجوی آن پرنده [هدهد] برآمد و گفت: «چرا هدهد را نمی‌بینم، یا اینکه او از غایبان است؟! این تعبیر به وضوح بیانگر این حقیقت است که او به دقت مراقب وضع کشور و اوضاع حکومت خود بود و حتی غیبت یک مرغ از چشم او پنهان نمی‌ماند! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۰/۱۵)؛ بنابراین این نظارت دقیق بر حضور و غیاب نیروها، در کارهای تشکیلاتی یک ضرورت است، همان‌گونه که تخلف بی‌دلیل

از مقررات و ترک کردن پست خود، گناه نابخشودنی است (قرائتی، ۱۳۸۸: ۶/ ۴۰۹). روشن است که یک حکومت سازمان یافته و منظم و پرتوان، چاره‌ای ندارد جز اینکه تمام فعل و انفعالاتی را که در محیط کشور و قلمرو او واقع می‌شود زیر نظر بگیرد، و حتی بود و نبود یک پرنده، یک مأمور عادی را از نظر دور ندارد، و این یک درس بزرگ است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۰/۱۵).

در اینکه چرا سلیمان به جستجوی هدهد پرداخت، اختلاف است. بعضی گفته‌اند: در سفر به او احتیاج داشت که آب را نشان دهد. زیرا هدهد وجود آب را در اعماق زمین تشخیص می‌دهد، همانطوری که در شیشه آب را می‌بیند. این قول از ابن عباس است. عیاشی می‌گوید: ابوحنیفه از امام صادق (ع) پرسید: چرا سلیمان از میان همه مرغان فقط هدهد را جستجو کرد؟ فرمود: به خاطر اینکه هدهد آب را در دل زمین می‌بیند، همانطوری که شما روغن را در شیشه می‌بینید: ابوحنیفه به اصحاب خود نگریست و خندید. امام فرمود: چرا خندیدی؟ گفت: فدایت شوم. بر تو ظفر یافتم. فرمود: چگونه ظفر یافتی؟ عرض کرد: پرنده‌ای که آب را در دل زمین می‌بیند، چرا دام را در زیر خاک نمی‌بیند و بگردنش می‌افتد؟ فرمود: ای نعمان، مگر نمی‌دانی که وقتی مقدرات نازل می‌شوند، روی چشم پوشیده می‌شود؟ برخی گویند: علت اینکه سلیمان هدهد را جستجو کرد، این بود که به نوبت خود اخلاص کرده بود. برخی گویند: مرغان با پر و بال خود بر سر سلیمان سایه می‌انداختند و چون هدهد جای خود را خالی کرده بود، آفتاب بر سر سلیمان تابید و معلوم شد که هدهد غایب است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۳۴۰).

در عین حال که فهم چرایی پرسش حضرت سلیمان از عدم حضور هدهد مهم است. مهم‌تر نکته تربیتی آیه است که خداوند متعال از نقل سیره و سنت و عملکرد

حضرت سلیمان به ماها آموزش می‌دهد. در واقع از گزارش عملکرد حضرت سلیمان در قبال زیر مجموعه‌اش فهمیده می‌شود که باید مربیان و مدیران و سرپرستان نسبت به عملکرد و حضور و غیاب زیر مجموعه مطلع و آگاه باشند و تحت هیچ شرایطی نباید بی تفاوت باشند. پس نظارت بر متریان در هر مقطع از نهاد خانواده گرفته تا نهاد حکومت باید وجود داشته باشد.

۲- تنبیه و تشویق

یکی از روش‌های مؤثر در تعلیم و تربیت بهره‌گیری از تشویق و تنبیه است. بدیهی است که انسان به طور طبیعی از پاداش لذت می‌برد و از تحقیر و توبیخ و سرزنش روی‌گردان است. این گرایش فطری موجب می‌شود که انسان‌ها به صورت متعارف جهت دریافت پاداش کارهای خوب را انجام داده و از کارهای بد اجتناب نمایند. قرآن کریم که کتاب هدایت است استفاده از این دو روش را به خوبی بیان نموده و تأکید کرده است که استفاده از قدرت پاداش باعث تقویت روحیه افراد می‌شود، و این امکان را به متریان می‌دهد که با به کار بردن این روش اعمال و رفتار افراد جامعه را به مسیری هدایت کنند که مطلوب‌شان هست سوق دهند.

استفاده از پاداش در آیات قرآن کریم فراوان به چشم می‌خورد (بقره/۸۱-۸۲ همچنین زمر/۶۱-۶۰، غافر/۴۰، محمد/۱۲، زخرف/۷۵-۶۷، حدید/۱۹)، و این نشان‌دهنده اهمیت پاداش در تأثیرگذاری بر کارکنان افراد می‌باشد. به همان اندازه که پاداش مفید است تنبیه نیز مؤثر می‌باشد؛ زیرا شخصی که دارای قدرت زور و اجبار است، می‌تواند فردی دیگری را تنبیه کند یا یک فعالیت را به او تحمیل کند، یا حد اقل او را تهدید کند که کارهای او به تنبیه یا نتایج نامطلوب و ناخوشایند منجر خواهد شد.

وقتی افراد احساس کنند که در صورت سرپیچی از مدیر و رهبر اخراج و یا تنبیه و یا تحقیق و... می‌شوند سعی خواهند کرد که با دقت کامل وظایف خویش را انجام می‌دهند و از انجام فعالیت‌های مخرب خودداری می‌کنند و مربیان نیز از این طریق قدرت زور و اجبار در متربیان خود نفوذ می‌کنند و در عملکرد آنان تأثیر می‌گذارند.

غرض آنکه تشویق و تنبیه دو روش مهم تربیتی بوده که به عنوان یکی از عوامل و محرک‌های مهم تلقی می‌شود. در سایه تشویق می‌توان فرد را به کارهای مطلوب واداشت و با در نظر گرفتن پاداش اراده و عزم او را تقویت کرد. با تنبیه مناسب می‌توان او را از لغزش‌ها، انحرافات و گناهان بازداشت.

این اصل تربیتی در آیه ۲۱ سوره نمل این چنین گزارش شده است: «لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ» (نمل/۲۱)؛ قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم داد، یا او را ذبح می‌کنم، یا باید دلیل روشنی (برای غیبتش) برای من بیاورد!

حضرت سلیمان (ع) برای اینکه حکم غیابی نکرده باشد، و در ضمن غیبت هدهد روی بقیه پرندگان، تا چه رسد به انسانهایی که پستهای حساسی بر عهده داشتند اثر نگذارد افزود: «من او را قطعاً کیفر شدیدی خواهم داد!» «و یا او را ذبح می‌کنم!» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۴۲/۱۵).

درواقع به صرف گفتن اینکه هدهد نیست حالا چه کار کنیم و چه کار نکنیم اکتفا نکرد بلکه مجازات اش را معین کرد. البته در عین حال که مجازاتش را مشخص کرد به این مطلب نیز اشاره نمود که این عقوبت و سرزنش در صورتی است که هدهد دلیل و برهان محکم و قابل دفاع نداشته باشد.

حضرت سلیمان (ع) در این گفتار خود، هدهد را محکوم می‌کند به یکی از سه کار، یا عذاب شدید و یا ذبح شدن، که در هر یک از آن دو بدبخت و بیچاره می‌شود- و یا آوردن دلیلی قانع کننده تا خلاصی یابد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/۳۵۵).

از نص صریح آیه شریفه استفاده می‌شود که متریان باید در امر تربیت از تشویق و تنبیه استفاده نمایند و در این امر همانطور که حضرت سلیمان با قاطعیت می‌فرماید «قطعاً او را کیفر شدیدی خواهم کرد»، متریان نیز در اجرای امورات قاطعیت و جدیت داشته باشند و مسامحه و مدارا و اغماض نظر از کنار کوتاهی‌ها و نافرمانی‌های متریان نگذرند و نکته دیگر اینکه متناسب با جرم و جنایت که شخص خاطی مرتکب شده است مجازات در نظر گرفته شود در این آیه شریفه حضرت سلیمان (ع) می‌فرماید: «قطعاً او را کیفر شدیدی خواهیم کرد یا او را ذبح می‌کنم مگر آنکه دلیل روشنی برای من بیاورد» یعنی اینکه پاداش و توبیخ باید متناسب با افراد و ارزش کار تعیین شود مریبی حق ندارد در برابر هر نوع رفتار از یک روش و یا یک نوع مجازات استفاده نماید. بنابراین به عنوان مهم‌ترین نکته تربیتی می‌توان گفت که متریان باید در برابر متخلف صلابت داشته باشند و برای مجازات آنان، کیفرهای متعددی قرار دهند تا در اجرای قانون به بن بست نرسند. البته ضمن قاطعیت راه دفاع را به روی متهم نبندد تا بتواند برای کارهای خود استدلال و توجیه بیاورد. (قرائتی، ۱۳۸۸: ۷/۴۰۹).

۳-تکریم و تشخیص

یکی دیگر از مهم‌ترین نکات تربیتی مطرح در سوره نمل آیه ۲۲ تکریم و تشخیص است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطَّتْ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَ

چَتُّكَ مِنْ سَبِّا بِنَبِّا یَقِینَ» (نمل/۲۲؛ چندان درنگ نکرد (که هدهد آمد و) گفت: «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نیافتی؛ من از سرزمین «سبا» یک خبر قطعی برای تو آورده‌ام!

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که رفتار کریمانه حضرت سلیمان (ع) باعث شده است هدهد بدون ترس و اضطراب دلائل غیبت خویش را در کمال آرامش گزارش نماید و بی پرده و با صراحت به او گوید: «من به چیزی آگاهی یافتم که تو از آن آگاه نیستی» بر خورد او با سلیمان، همچون برخورد درباریان چاپلوس با سلاطین جبار نبود، که برای بیان یک واقعیت، نخست مدتی تملق می‌گویند، و خود را ذره ناچیزی قلمداد کرده سپس به خاک پای ملوکانه، مطلب خود را در لابلای صد گونه چاپلوسی عرضه می‌دارند و هرگز در سخنان خود صراحت به خرج نمی‌دهند و همیشه از کنایه‌های نازک‌تر از گل استفاده می‌کنند، مبادا گرد و غباری بر قلب سلطان بنشیند! آری هدهد با صراحت گفت: غیبت من بی دلیل نبوده، خبر مهمی آورده‌ام که تو از آن با خبر نیستی! ضمناً این تعبیر درس بزرگی است برای همگان که ممکن است موجود کوچکی چون هدهد مطلبی بدانند که داناترین انسان‌های عصر خویش از آن بیخبر باشد تا آدمی به علم و دانش خود مغرور نگردد، هرچند سلیمان باشد و با علم وسیع نبوت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵/۴۴۳-۴۴۴).

بنابراین مربی باید فضایی را ایجاد کند که زیر مجموعه احساس تشخیص و کرامت داشته باشند تا با اتکاء به آنان با صراحت کلام با مربی گفتگو کند. به عبارت دیگر مربی باید فرصت مشارکت، اظهار رأی و نظر و تحقق صداقت و امانت را در مربیان فراهم نماید تا بتوانند استعدادهايش خویش را به فعلیت رسانند. بدیهی است در صورت نهادینه شدن این اصل بخش قابل توجهی از مخفی کاری‌ها و یا فاصله‌ها

بین مربی و متربی حل می‌شود چون بسیار دیده شده است که زیر مجموعه خواسته‌های برحق خویش را نمی‌تواند به بالا دستی و مربی گزارش دهد و همین امر موجب کدورت و فاصله می‌گردد. لذا می‌توان برداشت نمود که بر اساس این آیه شریفه والدین در قدم اول و مریبان در قدم دوم باید بستر گفتگو، آزادی و امنیت و احساس تشخیص و کرامت در زیر مجموعه را فراهم نمایند تا آنان آزادانه خواسته‌های خویش را مطرح نمایند.

۴-تحقیق و تفحص

پویش و جستجوگری راز رسیدن انسان به هویت و هدایت پایدار است. از این رو، بیش از هزار آیه در قرآن کریم به صورت پرسشی بنیادی مطرح شده است (ابیضی شلمانی، ۱۳۸۰: ۲۱). انسان‌ها از بدو خلقت تاکنون به مدد فرایندی به نام پژوهش، پویش، مطالعه و تتبع توانسته‌اند به تولید علم و دانش بپردازند. از این رو قرآن کریم در آیات متعدد به این مسئله اشاره و تأکید نموده است که انسان حق ندارد بدون علم و آگاهی درباره مسئله‌ای سخن بگوید و یا نظر بدهد «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا» (اسراء/۳۶): از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن، چرا که گوش و چشم و دل، همه مسئول‌اند.

غرض آنکه عالمانه و محققانه سخن گفتن و تصمیم گرفتن و عملکرد کردن سیره قرآن کریم بوده و متربیان باید به این مسئله عنایت ویژه داشته باشند و این نکته مهم تربیتی در سوره نمل آیه ۲۷ به خوبی رعایت شده است چون وقتی که حضرت سلیمان (ع) تهدیدات خویش را در باب مجازات و عدم مجازات هدهد بیان کرد و هدهد در باب توجیه کار خویش مدعی شد که «من بر چیزی آگاهی یافتم که تو بر آن آگاهی نداری،

من از سرزمین سبا یک خبر قطعی (و دست اول) برای تو آورده‌ام؟» بعد در ادامه از حکومت ملکه سباء و بت‌پرستی آنان گزارش نمود و در پایان به «توحید عبادت» و «توحید ربوبیت» پروردگار، و نفی هرگونه شرک تأکید کرده و سخن خود را به پایان می‌برد. همزمان که گزارش از عملکرد آنان می‌داد حضرت سلیمان با دقت به سخنان او گوش می‌داد و در پایان خطاب به هدهد فرمود: «قَالَ سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ» (نمل/۲۷)؛ گفت: «ما تحقیق می‌کنیم ببینیم راست گفتی یا از دروغگویان هستی؟».

برجسته‌ترین و ماندگارترین نکته تربیتی این آیه شریفه این است که باوجود اعتماد حضرت سلیمان به هدهد و باوجود اینکه از کارکنان و زیر مجموعه‌اش بوده و ادعا صداقت و راستگویی دارد؛ لکن حضرت سلیمان می‌فرماید: ادعای شما باید بررسی شود درواقع حضرت سلیمان (ع) نه هدهد را متهم ساخت و محکوم کرد، و نه سخن او را بی‌دلیل تصدیق نمود، بلکه آن را پایه تحقیق قرارداد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵/ ۴۵۱)؛ مسلماً این تعبیر بهتر از این است که گفته شود: دروغ می‌گویی. زیرا شخص از دروغگویان است بخاطر اینکه متمایل به آنهاست یا بخاطر اینکه خویشاوند آنهاست یا بخاطر اینکه بواسطه دروغ در صف آنها قرار گرفته است (۱۳۷۲: ۷/ ۳۴۲).

حضرت سلیمان (ع) با این بیان داوری درباره هدهد را محول به آینده کرده و او را بدون تحقیق تصدیق نفرمود، چون هدهد بر گفته‌های خود شاهی نیابرد، البته تکذیب هم نکرد، چون آن جناب دلیلی بر کذب او نداشت، لذا وعده داد که به‌زودی درباره سخنانش تحقیق می‌کنیم، تا معلوم شود راست گفته‌ای یا دروغ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵/ ۳۵۷)، بررسی و تحقیق مطرح شده در این آیه شریفه متفاوت با تحقیق در آیه ۶ سوره حجرات است چونکه در آنجا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُم فَاسِقٌ

بِنَبِيٍّ فَتَبَيَّنُوا أَنَّ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحِحُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شخص فاسقی خبری برای شما بیاورد، درباره آن تحقیق کنید، مبدا به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید و از کرده خود پشیمان شوید!

اگر فاسق گزارش داد شما موظف به ارزیابی و صحت و سقم ادعای آن هستید. اما در سوره نمل یکی از کارکنان و زیر مجموعه‌های حضرت سلیمان (ع) که سابقه دروغ‌گویی و فسق و فجور هم ندارد؛ ولی باید صحت ادعای آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت درصورت عدم مستندات قابل قبول مرییان باید به ظاهر قضایا و وقایع و گزارش‌ها اکتفا نکرده و تا رسیدن به حقیقت تمام جوانب مسئله بررسی کنند تا حقیقت آشکار گردد.

۵- مشاوره جوئی و نظرخواهی

از جمله موضوعات تربیتی که در قرآن کریم تأکید زیادی بر آن شده مسئله مشاوره و استفاده از مهارت‌ها، تجربه‌ها، افکار و عقاید و درنهایت آگاهی و همفکری با دیگران در دستیابی به بهترین راه‌حل‌ها و اخذ تصمیمات مؤثر و کارآ می‌باشد؛ و حتی می‌توان گفت از مهم‌ترین اصول اجتماعی اسلام اصل شور و مشاوره است و امروزه جوامع متمدن به این اصل اهتمام زیادی می‌ورزند تا آنجا که رمز پیروزی ژاپنی‌ها را اخذ تصمیمات مشارکتی می‌دانند (موسوی: ۱۳۷۱: ۵۶).

در این سوره مبارکه این اصل تربیتی بسیار پررنگ و برجسته است. به عنوان مثال هنگامی که نامه حضرت سلیمان به ملکه سبا می‌رسد، بلافاصله اشراف و بزرگان و تصمیم‌گیران دربار را در جریان قرار داده و از آنان طلب مشورت در ارائه راه‌حل‌های مختلف می‌کند: «قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُونِ»

(نمل/۳۲) (ملکه) گفت: ای اشراف به من در مورد کارم پاسخ دهید، که در مورد هیچ کاری (تصمیم خود را) قطعی نکرده‌ام تا اینکه [نزد من] حاضر شوید. از آنجاکه «افتونی» از ماده «فتوا» است، در اصل به معنی حکم کردن دقیق و صحیح در مسائل پیچیده است، «ملکه سبا» با این تعبیر، هم پیچیدگی مسئله را به آن‌ها گوشزد کرد و هم آن‌ها را به این نکته توجه داد که باید در اظهار نظر دقت به خرج دهند تا راه خطا نپویند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵/۴۵۴) و نکته دیگر اینکه از این طریق خواست موقعیت خود را در میان آنان تثبیت نموده اعتماد آنان را نیز جلب نماید تا پشتوانه‌ی محکمی برای اخذ تصمیم داشته باشد؛ بنابراین مشورت با بزرگان دربار، قبل از تصمیم‌گیری نهایی در امور کشور، شیوه همیشگی ملکه سبا بوده است (ر.ک: هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳/۳۱۴).

مسئله مشورت و نظرخواهی و همفکری با دیگران از چنان اهمیت برخوردار است که قرآن کریم علاوه بر اینکه در این سوره مورد تأکید قرار گرفته در دیگر سوره‌ها نیز همچون شوری/۳۸ و آل عمران/۱۵۹ و بقره/۲۳۳ بدان پرداخته شده و از امتیازات و خصلت‌های بندگان خوب الهی برشمرده شده است.

بنابراین مریبان در هنگام تعلیم و تربیت باید به این مسئله توجه نموده و از فکر و اندیشه دیگران نیز بهره‌مند شوند تا بتوانند بهتر بستر شکوفایی متربیان را فراهم نموده از استبداد به رأی و تکروی اجتناب نمایند.

۶- عزت و شرافت

خداوند متعال در قرآن کریم به صراحت می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... وَفَضَّلْنَاهُمْ...» (اسراء/۷۰)؛ ما آدمیادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای

راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.

از این آیه شریفه و آیات همسو استفاده می‌شود که خداوند به انسان عزت و کرامت داده است و انسان حق ندارد تحت هیچ شرایطی عزت و کرامت اش را خدشه‌دار کند و با گرفتن رومی‌زی و زیرمیزی خود را خوار و ذلیل نماید.

ملکه سباء برای اینکه عزت و کرامت حضرت سلیمان (ع) را امتحان کند بعد از اینکه پاسخ‌های مشاوران و درباریان خویش را شنید گفت: «وَإِنِّي مُرْسَلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَظِرَةٌ بِهِمْ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ» (نمل/۳۵)؛ و من (اکنون جنگ را صلاح نمی‌بینم)، هدیه گرانبهایی برای آنان می‌فرستم تا ببینم فرستادگان من چه خبر می‌آورند (و از این طریق آنها را بیازمایم!) در واقع ملکه سبا با این هدایایی نفیس و گران‌قدر خواست وی را بیازماید که در ادعای خویش صادق است یا خیر؟ آیا عزت و کرامت دارد یا خیر؟ قرآن کریم می‌گوید هنگامی که فرستاده سبا نزد سلیمان آمد حضرت در پاسخ‌نامه‌اش فرمود: «...أُتْمِدُونِنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِي اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ» (نمل/۳۶)؛ «می‌خواهید مرا با مال کمک کنید (و فریب دهید)؟! آنچه خدا به من داده، بهتر است از آنچه به شما داده است؛ بلکه شما هستید که به هدیه‌هایتان خوشحال می‌شوید!». معنای آیه این است

که: آیا شما مرا با مالی حقیر و ناچیز که کمترین ارزشی نزد من ندارد کمک می‌کنید؟ مالی که در قبال آنچه خدا به من داده ذره‌ای ارزش ندارد؟ آنچه خدا از ملک و نبوت و ثروت به من داده بهتر است از آنچه به شما داده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۹۱/۱۵).

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که انگیزه‌ی اولیای خدا مادیات نیست. (مردان خدا خود را با پول معامله نمی‌کنند، زیرا آنان امیر دنیا هستند نه اسیر آن). مردان خدا، تیزبین و هوشیار و قاطعند. انگیزه‌های فاسد را در پشت هدایا می‌بینند و می‌گریزند و

صاحبان آن انگیزه‌ها را توبیخ و سرزنش می‌کنند (قرائسی، ۱۳۸۸: ۶/۲۰۶). در واقع حضرت سلیمان (ع) با بیان این جمله: «بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيِكُمْ تَفْرَحُونَ» معیارهای ارزش را در نظر آنها تحقیر کرد و روشن ساخت که معیارهای دیگری برای ارزش در کار است، که معیارهای معروف نزد دنیا پرستان در برابر آن، بی‌رنگ و بی‌بها است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵/۶۲).

۷- ارزیابی و ایجاد رقابت سالم

از دیگر نکات تربیتی مطرح در سوره نمل ایجاد رقابت سالم است. حضرت سلیمان (ع) بعد از دریافت پاسخ نامه ملکه سبا و دعوت ایشان، خطاب به زیر مجموعه خویش فرمود: «قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ» (نمل/۳۸)؛ (سلیمان) گفت: «ای بزرگان! کدام یک از شما تخت او را برای من می‌آورد پیش از آنکه به حال تسلیم نزد من آیند؟».

در پاسخ به پرسش حضرت عفریتی از جن گفت: «قَالَ عَفْرِيْتُ مِنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ» (نمل/۳۹)؛ عفریتی از جن گفت: «من آن را نزد تو می‌آورم پیش از آنکه از مجلست برخیزی و من نسبت به این امر، توانا و امینم!» و شخص دیگری که دانشی از کتاب آسمانی داشت گفت: «(اما) کسی که دانشی از کتاب (آسمانی) داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد!» و هنگامی که (سلیمان) آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!» (نمل/۴۰).

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که حضرت سلیمان (فضای رقابت سالم را فراهم نموده و از این طریق می‌خواهد استعدادها و توانمندی‌های زیر مجموعه خویش را مورد آزمایش قرار دهد. در واقع حضرت با اصل اطلاع‌رسانی گسترده مسئولیت انجام کار را به عهده زیر مجموعه می‌گذارد برای اینکه استعدادهایشان را در کمال آزادی به نمایش بگذارند.

۸- ارزش و شایسته‌سالاری

منطق قرآن کریم حکایت از شایسته‌سالاری دارد و افرادی که انتخاب و گزینش می‌شوند و یا مسئولیتی به آنان واگذار می‌شود باید از شایستگی‌های لازم مربوط به آن پست و مقام برخوردار باشند. اگر قرار است که فرمانده جنگ باشد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره/۲۴۷) اگر می‌خواهد مورد اعتماد واقع شود و بتوان به او تکیه کرد و مسئولیت‌های را به او واگذار کرد باید «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص/۲۸) و اگر قرار است که مسئولیت خزانهداری کشور به او داده شود باید «حَفِظْتُ عَلِيمٌ» (بقره/۵۵).

بنابراین اینکه در سوره نمل عفریتی از جن می‌گوید مسئولیت آوردن تخت بلقسط را به من واگذار چون من قوی و امین هستم حکایت از آن دارد که در حکومت حضرت سلیمان (ع) قوی بودن و امین بودن ارزش است؛ اما توجه به اهمیت کار و سرعت مورد انتظار حضرت باوجود برخوردارگی عفریت از این دو ویژگی این مسئولیت را به شخص دیگری که دانشی از کتاب داشت واگذار نمود و این یعنی اینکه قدرت و امانت‌داری به‌تنهایی برای پذیرش یک پست حساس اجتماعی کافی نیست بلکه علاوه بر آن، آگاهی و تخصص نیز لازم است و این بیان نورانی که می‌فرماید: «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ

مِنْ الْكِتَابِ...» نشان‌دهنده اهمیت تخصص و آگاهی است، چون آگاهی موجب می‌شود که شخص مسئولیت اش را به نحو احسن انجام دهد لذا هنگامی که حضرت سلیمان (ع) «آن (تخت) را نزد خود ثابت و پابرجا دید گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا آزمایش کند که آیا شکر او را بجا می‌آورم یا کفران می‌کنم؟! و هر کس شکر کند، به نفع خود شکر می‌کند؛ و هر کس کفران نماید (بزیان خویش نموده است، که) پروردگار من، غنی و کریم است!» (نمل/۴۰).

غرض آنکه حضرت سلیمان (ع) دو معیار (قدرت، امانت) را محک زده بود ولی معیار دیگری به نام علم و دانش در کنار آنها قرار گرفت منطق پیامبران، تعهد و تخصص در نظام شایسته‌سالاری، محور معیار اصلی است. سلیمان پیشنهاد دوم را پذیرفت و طرفه‌العینی تخت سبا را در نزد خود حاضر دید.

نتیجه

بر پایه مطالب ذکر شده مشخص شد که سوره نمل حاوی بزرگ‌ترین دستورات و مبانی تربیتی است که خداوند متعال برای هدایت و تربیت انسان‌ها در این سوره بیان کرده است. مهم‌ترین نکات تربیتی که در این سوره ذکر شده عبارت بودند از تفقد و نظارت، تنبیه و تشویق، تکریم و تشخیص، فاطعیت همراه با متانت و ادب، عزت و شرافت، ارزیابی و ایجاد رقابت سالم، ارزش و شایسته‌سالاری، اجتناب از غرور و توهم. مجموعه نکات ذکر شده نه تنها در عصر نزول کاربرد داشته بلکه در تمام عصر و مصر از کارایی بسیار بالایی برخوردار می‌باشند؛ چون آفریننده انسان با شناخت جامع و کامل که از انسان دارد معارف و حقایق را در قالب تمثیل و در نهایت حلاوت و اوج جذابیت بازگو و مسیر رشد و تعالی را به او آموخته است. همچنین روشن شد که

نکات تربیتی تبیین شده اگر به خوبی فراگرفته شود و در مقام عمل اجرا و عملیاتی شود متضمن سعادت دنیوی و اخروی انسان خواهد بود.

منابع:

- ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۴۱۴.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، دمشق: الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۲.
- خرمشاهی، قوام الدین، «سوره نمل» در دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، به کوشش بهاء الدین خرمشاهی، تهران: دوستان ناهید، ۱۳۷۷ ش.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- رضانژاد، عزالدین و رمضان پای برجا، «بررسی دلالت آیه ۸۳ سوره نمل بر رجعت از دیدگاه فریقین»، در فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات تفسیری، دوره ۷، شماره ۲۵، ۱۳۹۵ ش.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.

حویزی، عبدعلی بن جمعه، نور الثقلین، به تصحیح هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.

محمد، منصور نژاد، جستارهایی در مدیریت، تهران، انتشارات جوان پویا، چاپ اول، ۱۳۸۷.

تقوی دامغانی، سید رضا، نگرشی بر مدیریت اسلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۸.

قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۸.

ابضی شلمانی، حسین، پرسش و پرسشگری در قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۸۰.

موسوی، سید حسن، مدیریت کیوسی، رمز پیروزی ژاپن، تهران، دنیا، ۱۳۷۱.

هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، دوم، ۱۳۸۱.